

۱۳۸۸



راه آفتاب

توصیه می‌کرد به خدا خوش بین باشیم: «هرکس به خدا خوش بین باشد، خدا هم مطابق همان گمانش با او رفتار می‌کند.»

حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، ص ۴۴۹.



رانده شده! (نکته‌هایی دربارهٔ شیطان سرکش)

فتح الله نجارزادگان



سرشناسه: نجارزادگان، فتح الله، ۱۳۳۷ • عنوان و نام پدیدآور: رانده شده! (نکته‌هایی درباره شیطان سرکش) / فتح الله نجارزادگان؛ به‌کوشش: محمدحسین پورامینی؛ ویراستار: عظیم قهرمانلو؛ تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی؛ به‌سفرش: اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی آستان قدس رضوی • مشخصات نشر: مشهد، آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۶ • مشخصات ظاهری: ۲۴ ص.؛ مصور (رنگی).؛ ۱۷×۱۱ س م •

- شابک: ۰-۲-۹۹۷۵-۶-۹۷۸-۹۷۸؛ رایگان • وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا • یادداشت: کتابنامه • عنوان دیگر: نکته‌هایی درباره شیطان سرکش • موضوع: شیطان • موضوع: Devil • موضوع: شیطان -- جنبه‌های قرآنی • موضوع: Devil -- Islam -- Qur'anic teaching • شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. اداره تولیدات فرهنگی • شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی و اطلاع‌رسانی • شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات اسلامی •
- شناسه افزوده: Astan Qods Razavi . Islamic Relief Assistant .
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶/۲۶۲/۱/۱۸ BP۲۲۶
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۷
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۰۲۲۹۹۴

۱۳۳۴



عنوان: رانده شده! (نکته‌هایی درباره شیطان سرکش)

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

نویسنده: فتح‌الله نجارزادگان

به‌کوشش: محمدحسین پورامینی

ویراستار محتوایی: جواد نشاطی زاده

ویراستار: عظیم قهرمانلو

ارزیاب علمی: حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی

مدیر هنری: مریم‌سادات منصوری طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی

ناشر: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

چاپ: اول، ۱۳۹۷ چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شمارگان: ۱۰۰۰۰ شابک: ۰-۲-۹۹۷۵-۶-۹۷۸

نشانی: مشهد مقدس، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، بعد از باب الهادی علیه السلام
پلاک ۱۸۳، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵ تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۲۵۶۹

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۹	درآمد
۱۱	فصل اول: زیست‌نامهٔ ابلیس در یک نگاه
۱۶	۱. آغاز دشمنی
۱۷	۲. حکمت مهلت‌دهی به شیطان
۲۱	۳. توان و اختیارات شیطان
۲۵	فصل دوم: راهبردها و سیاست‌های اصولی شیطان در مبارزه
۲۷	۱. یورش چهارجانبه
۳۰	۲. نشستن در کمین
۳۲	۳. هجوم گام‌به‌گام
۳۴	۴. یورش جمعی
۳۷	فصل سوم: مهارت‌های شیطان
۴۰	۱. زینت‌گری و صحنه‌پردازی
۴۲	۲. القای وسوسه‌های زشت
۴۳	۳. تهدیدها و وعده‌های فریبنده
۴۷	۴. تباه‌کردن و گسستن پیوندها
۵۱	فصل چهارم: تجهیزات شیطان

۵۳	۱. مجموعه وسایل شکار
۵۴	۲. دستیار نیرومند
۵۷	۳. لشکر انبوه
۵۹	فصل پنجم: کمین‌گاه‌های حساس و گلوگاه‌های خطر
۶۲	۱. کمین‌گاه‌های حساس
۶۷	۲. گلوگاه‌های خطر
۷۹	حاصل سخن

رانده شده!

نکته‌هایی دربارهٔ شیطان سرکش

این اثر به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست:

۱. کارنامهٔ زندگی شیطان چیست؟
۲. شیطان در مبارزه با انسان چه سیاست‌هایی دارد؟
۳. مهارت‌های شیطان چیست؟
۴. تجهیزات شیطان چیست؟
۵. کمین‌گاه‌های حساس و گلوگاه‌های خطر کدام‌اند؟



درآمد

شرط اساسی برای ورود به ساحت بندگی خدا جزرهایی از هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی نیست و این دنیا گذرگاهی برای رسیدن به این رهایی است.

برای ما هواهای نفسانی تا حدی شناخته شده‌اند، اما شیطان چطور؟ آیا تاکنون از خود پرسیده‌ایم شیطان که این همه در آیات و روایات درباره دشمنی‌اش تأکید شده است و ما را به مقاومت و مبارزه در برابر او فراخوانده‌اند، کیست؟ چرا با ما دشمن است؟ چگونه این دشمنی، انسان‌های بی‌شماری را از قشرهای گوناگون به خاک سیاه نشانده و هرگز سیر نمی‌شود و چندین پرسش دیگر. علامه طباطبایی رحمۃ اللہ علیہ می‌نویسد:

موضوع شیطان بسیار تأمل برانگیز و شایان دقت و بحث است، متأسفانه تاکنون درصد برنیامده‌ایم قرآن کریم درباره این موجود... چه می‌گوید، چرا نباید درصد برآییم و چرا در شناختن این دشمن خانگی

این قدر بی‌اعتناییم؟! دشمنی که ... تا ما را به عذاب جاودانه نیندازد، آرام نمی‌گیرد.^۱

به‌راستی ما که برای مبارزه یا دفاع در برابر دشمنان بیرونی خود آن‌همه سرمایه‌گذاری می‌کنیم و سازمان‌ها و نهادهایی با امکانات و تجهیزات گوناگون و گسترده فراهم می‌آوریم، چرا باید در مقابل این دشمن که اساس همهٔ خطرها و دشمنی‌هاست و همه‌جا و همه‌وقت با ماست، بی‌اطلاع یا بی‌اعتنا باشیم؟ جای بسی شگفتی است که برخی، شیطان را موجود خیالی می‌دانند، تصویری که به‌طور کامل با عقل و وحی مخالف است. اگر در قرآن، تنها همین آیه بود که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾^۲ (همانا شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید). کافی بود تا به هوش باشیم و شیطان را دشمن واقعی بدانیم و برای شناخت و مبارزه با او تلاش کنیم. این کتاب گامی در شناخت دشمن، یعنی شیطان و مبارزه با اوست. امید است خوانندگان از مطالعهٔ آن، بهرهٔ لازم را ببرند.

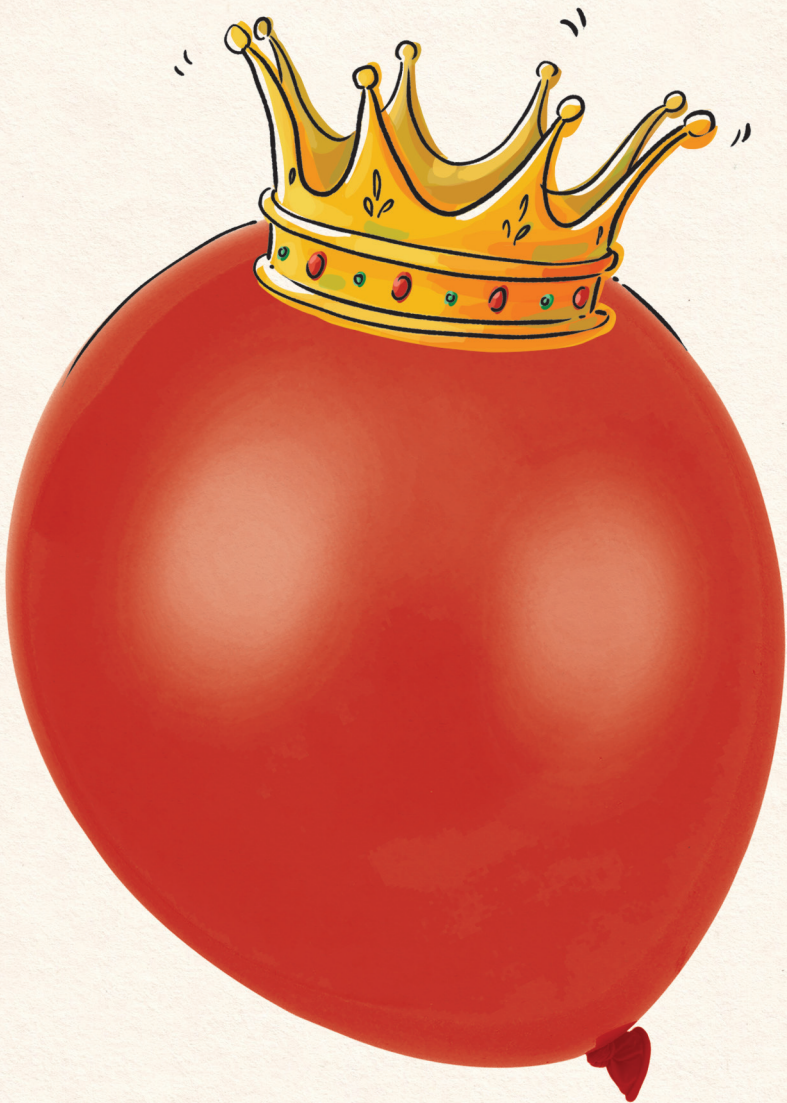
۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۵ و ۳۶.

۲. فاطر، ۶.

زیست‌نامهٔ ابلیس در یک نگاه



فصل اول



پروندهٔ زندگی ابلیس (شیطان) به صورت بسیار خلاصه
به شرح ذیل است:

خداوند کالبد ما را با مقداری خاک به صورت انسان آفرید؛ سپس از روح خود به آن حیات بخشید^۱ و با این آفرینش نو، فرشتگان خود را به آزمایش فراخواند تا صف فروتنان را از متکبران جدا کند.^۲ با فرمان ﴿أَسْجُدُوا﴾ همهٔ فرشتگان بر این آفریدهٔ نو، بی درنگ سجده کردند^۳ تا هم فروتنی خود در اجرای فرمان خداوند را نشان دهند و هم بر شایستگی انسان کامل اعتراف کنند؛ ولی ابلیس، خودخواهی پنهانش را به نمایش گذاشت و از سجده بر آدم، سر باز زد و در این آزمون پُررَمزوراز، شکست سختی متحمل شد. این ماجرا در آیات و روایات متعددی آمده است.

این گردنکش خودخواه از طایفهٔ جن^۴ بوده و مختار

۱. نک: حجر، ۲۹.

۲. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۹۲.

۳. نک: کهف، ۵۰.

۴. نک: کهف، ۵۰.

است. ابلیس پیش از این ماجرا، مقامی بس ارجمند در عبادت خدا داشت؛ به‌گونه‌ای که فرشتگان پاک، او را فرشته‌ای مقرب می‌دیدند و این مقام به‌اعتبار شش‌هزار سال بندگی او بود که اگر مبنای شمارش این شش‌هزار سال، مانند شمارش سال‌های آخرت باشد^۱ در این صورت، به چندین میلیون سال می‌رسد؛ ولی افسوس که آن عبادت چند هزار ساله در یک لحظه تباه شد و مانند خاکستری بر باد رفت.^۲ شیطان با این کار، خود را خوار و پست کرد و خداوند، بلندپروازی‌اش را دَرهم شکست؛^۳ سپس او را با خَفَّت و خواری از ردیف فرشتگان بیرون راند^۴ و برای آخرت نیز به او و همراهانش که به بیماری واگیردار ابلیس، یعنی تکبر، دچارند،^۵ وعدهٔ عذاب داد.^۶ این حادثه سرآغاز بسیاری از ماجراها در امتداد عمر انسان در این جهان شد.

انسان با مرور چنین پرونده‌ای، شگفت‌زده می‌شود: عابدی بلندآوازه در یک لحظه سقوط می‌کند؛ دشمن خدا

۱. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۹۲.

۲. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۹۲.

۳. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۹۲.

۴. نک: اعراف، ۱۳.

۵. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۹۲.

۶. نک: اعراف، ۱۸.

و خلق او می‌شود؛^۱ تا ابد، لعنت خدا را به جان می‌خرد؛^۲ در تمامی صفات زشت و ناپسند همچون نخوت،^۳ فخر فروشی،^۴ حسادت،^۵ کینه‌توزی،^۶ عصیان و فسق،^۷ حيله‌گری و... پیش‌گام می‌شود؛ نخستین گناهی که حکایت از رشک درونی دارد و از کبر سرچشمه می‌گیرد، از او سر می‌زند؛ نخستین کسی است که تعصب می‌ورزد^۸ و نیز آغازگر کفر و عصیان می‌شود و با وسوسه‌هایش سبب پیدایش و انتشار آن می‌شود.^۹

بیاید از این ماجرا عبرت بگیریم: مبادا در پیشگاه پروردگاران تکبر ورزیده و از بندگی او سرپیچی کنیم!

۱. نک: بیس، ۶۰.

۲. نک: حجر، ۳۵.

۳. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۴. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۵. نک: اسراء، ۶۲.

۶. نک: حجر، ۳۹.

۷. نک: کهف، ۵۰.

۸. نک: عبدالحمید بن هبة الله بن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه لابن ابی

الحدید، ج ۱، ص ۱۰۸.

۹. نک: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۹.

۱. آغاز دشمنی

شکست بی سابقه ابلیس در آن آزمایش، سرآغاز دشمنی سخت و کینه‌توزانه علیه آدم علیه السلام و فرزندانش شد. راه دیگری نیز برای جبران این خسارت بزرگ نبود؛ جز آنکه توبه کند و به همان سجده بر آدم علیه السلام گردن نهد.

از امام صادق علیه السلام این‌گونه رسیده است: «به خدا سوگند، اگر ابلیس پس از آن نافرمانی و تکبر، به اندازه عمر دنیا [یا به اندازه عبادت همه انسان‌ها] سجده کند، از او پذیرفته نمی‌شود؛ مگر آنکه همان فرمان سجده بر او [آدم] را به جا آورد.»^۱

آری! آن میزان خسارت از یک سو و رسوایی در میان صف‌های بی‌انتهای فرشتگان از سوی دیگر، از هزاربار مرگ برای او شکننده‌تر بود و به‌همین دلیل، کینه آدم و فرزندانش را به دل گرفت و از خدا مهلت خواست تا عقده‌های بی‌پایانش را با به‌دام‌انداختن انسان‌ها و اسارت آنان بیرون بریزد و این امر نشان می‌دهد که دشمن با همه توان و نیرو، وارد میدان

۱. عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۱، ص ۳۶۹.

شده است و می‌کوشد همه را به بیماری مهلک و خطرناک خود یعنی «تکبر» مبتلا کند و آن‌ها را به خاک سیاه بنشانند. ای خردمندان عالم! هوشیار باشید و نیک بنگرید؛ نکند اسیر ابلیس شوید که باید شما را سجده کند. این موضوع فاجعه‌ای بسیار ناگوار و جبران‌ناپذیر است؛ پس گوشی جان بسپاریم به هشدار امیرالمؤمنین علی علیه السلام که فرمودند: «ای بندگان خدا! از دشمن خدا برحذر باشید؛ مبادا شما را به بیماری خود [تکبر] مبتلا کند و با ندایش شما را به حرکت درآورد...»^۱

این بود مختصری از شرح حال و کارنامه زندگی دشمن انسان که قرآن کریم از او با نام‌های «ابلیس» و «شیطان» و «خَنَاس» یاد می‌کند.

۲. حکمت مهلت دهی به شیطان

چرا خداوند درخواست شیطان را برای مهلت خواهی پذیرفت و به دشمن بندگان عمر طولانی داد؟

در پاسخ باید گفت: اولاً، مهلت دادن به شیطان، هرگز برای گمراهی و فریب انسان‌ها و جَنّیان نبود. قرآن کریم آشکارا اعلام می‌کند که به شیطان گفتیم: «تو هرگز بر

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

بندگان من تسلطی نخواهی داشت؛ جز گمراهانی که خود، پیرو تو شوند.»^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «تنها فرزندانِ نخوت و برادرانِ تعصب و سوارانِ مرکبِ جهل و نادانی‌اند که شیطان را تصدیق می‌کنند و به او جرئت می‌بخشند.»^۲ ثانیاً، خداوند به شیطان مهلت داد؛ ولی به او چنان توان و نیرویی نداد تا قدرت و اختیار را از ما بگیرد و ما را به هر بی‌راهه‌ای که خواست، بکشاند؛ بلکه ما با ضعف‌های خود، بهانه به دست دشمن می‌دهیم تا به ما حمله‌ور شود. ثالثاً، خداوند در این میدان مبارزه، ما را به انواع سرمایه‌های درونی و بیرونی و تجهیزات مناسب و کارآمد، مجهز ساخته و به ما توانایی‌هایی داده است تا بتوانیم دشمن را برای همیشه از خود برانیم و سرکوب کنیم و حتی به اسارت خود درآوریم.

حکمتِ مهلت‌دادن را باید در امور دیگری یافت که اکنون به چند نمونه آن اشاره خواهد شد:

۱. حجر، ۴۲.

۲. علی بن ابی‌طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

اول. استعدادهایی در زمینه‌های بدنی، علمی، معنوی و... در وجود ما نهفته است که رشد و بالندگی آن‌ها در برخورد با حریف رخ می‌نماید؛ پس اگر حریفی درکار نباشد، ممکن است این استعدادها به صورت سرمایه بدون استفاده برای همیشه از میان برود.

از نگاه قرآن کریم، آفرینش و مرگ و زندگی، برای آزمایش ما و سپس شناسایی و گزینش بهترین‌هاست^۱ و این دنیا نیز آزمایشگاه ماست.^۲

پس اگر صحبت از آزمایشگاه و آزمون است، وجود رقیب نیز نیاز است؛ حریفی که با وسوسه‌های مستقیم و غیرمستقیم، در بالندگی و رشد انسان‌ها سهم دارد.

دوم. ما انسان‌ها از دیدگاه قرآن کریم، رونده‌ای هستیم که فصل‌هایی از حیات را سپری می‌کنیم تا نزد پروردگار خود بازگردیم^۳ و در این مقطع از زندگانی دنیا، وظیفه داریم

۱. نک: ملک، ۲.

۲. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۲۰۲: «در این دنیا آزمایش می‌شوید؛ ولی برای غیردنیا [یعنی عالم آخرت] آفریده شده‌اید».

۳. نک: بقره، ۱۵۶.

برای ادامه راه، توشه مناسب بگیریم.^۱ قرآن کریم بهترین توشه و هزینه سفر را تقوا می‌شناسد: بخشی از این توشه، در گرو تمرین‌ها و درگیری‌ها با دشمن است؛ چون تقوا، دست‌کم در مراتب پایین یا متوسط آن، نیرویی روحی است که انسان را از کمین‌های دشمن بازمی‌دارد.

سوم. سفارش قرآن کریم در برابر هجوم بی‌وقفه شیطان، آن است که بنده از او بگریزد و همواره به پروردگارش پناه برد: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾^۲ (بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم، به مالک و حاکم مردم، به [خدا و] معبود مردم، از شرّ وسوسه‌گر پنهان‌کار).

چهارم. دشمن همیشه به دنبال یافتن ضعف‌های ماست و هجوم او سبب می‌شود ما به آن‌ها پی ببریم و درصدد اصلاح و ترمیم ضعف‌هایمان برآییم؛ وگرنه همین رخنه‌ها لانه دشمن و کمین او می‌شود تا رفته‌رفته از آنجا به درون دل راه یابد؛ به‌ویژه اگر ضعف و کاستی در سطح باورها و اعتقادات باشد، فاجعه می‌آفریند؛ مانند قوم سبأ که

۱. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۴۵: «از دنیا با بهترین توشه‌ای که اندوخته‌اید و در اختیار دارید، کوچ کنید».

۲. ناس، ۱ تا ۴.

قرآن کریم، ریشه تسلط شیطان بر آنان را شک و تردیدشان درباره اعتقاد به قیامت می‌داند.^۱

۳. توان و اختیارات شیطان

هرگز مپنداریم که شیطان، موجودی مستقل و خودرأی است. او مانند همه موجودات دیگر، آفریده‌ای وابسته و محدود است و طبق روایات، سگی دست‌آموز است^۲ که با اجازه حق تعالی و به دلیل حکمت وجودی‌اش، در شعاع مشخصی فعالیت دارد و بیش از آن، درمانده و ناتوان است.^۳

گستره فعالیت و قدرت مانور شیطان‌ها در محدوده جنیان و انسان‌ها و فقط در حد وسوسه‌گری است و این بندگان خدا هستند که از آن‌ها پذیرایی می‌کنند و با دوری از یاد پروردگار، با آنان هم‌نشین می‌شوند.

۱. نک: سبأ، ۲۱.

۲. نک: عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۸، ص ۴۷۸: «مَعَهُ [أَي مَعَ الشَّيْطَانِ] كَالْقَرِيبِ مَعَ كَلْبِ الزَّاعِي.»

۳. اگر شیطان موجودی کامل و مستقل بود، نیازی نبود از خدا درخواست مهلت کند و همین درخواست، نشانه محدودیت اوست.

قرآن کریم می‌فرماید: «هرکس از یاد خداوند رحمان، روی‌گردان شود، بر او شیطانی می‌گماریم تا همواره قرین او باشد.»^۱

بدین‌سان آدمی چنان سقوط می‌کند که دشمن دیرینه‌اش را دوست خود می‌گیرد: دشمنی که هستی او را بر باد می‌دهد و او را که به بهای بهشت مبادله می‌شود،^۲ به جهنم رهسپار کرده^۳ و حتی در قعر آتش نیز او را رها نمی‌کند.

این دشمن در برابر همهٔ انسان‌ها، توان درگیری یا وسوسه ندارد؛ نه آنکه نخواهد، بلکه در برابر خالص‌شدگانِ ناب در باور و پاک در رفتار، ورشکسته و خودباخته است. جای شگفتی است که دشمن در مواقعی نیز از سرِ درماندگی و عجز، نقشه‌های خود را دربارهٔ آنان رو می‌کند. برای نمونه به داستان معروفی دربارهٔ شیخ انصاری رحمته‌الله‌علیه اشاره می‌کنیم.

روزی یکی از شاگردان، در مجلس درس شیخ گفت:
«خوابی برای شما دیدم؛ ولی خجالت می‌کشم نقل کنم.»
شیخ فرمود: «بگو!» عرض کرد: «دیشب

۱. زخرف، ۳۶.

۲. امیرالمؤمنین علی رضی‌الله‌تعالی‌عنه فرموده‌اند: «جان‌های شما را بهایی جز بهشت نیست؛ پس آن‌ها را به غیر بهشت نفروشید» (علی بن ابی‌طالب رضی‌الله‌تعالی‌عنه، نهج البلاغه، حکمت ۴۵۷).

۳. نک: ابراهیم، ۲۲.

خواب دیدم شیطان با حالت خشم، طناب‌هایی را در دست دارد و طناب ضخیم او پاره شده است. سبب را پرسیدم. شیطان گفت: 'با این طناب‌ها مردم را می‌کشانم و این طناب ضخیم برای استادت شیخ انصاری بوده است که قصد کردم او را به دام اندازم و تا بازار بکشانم؛ ولی طناب را پاره کرد و فرار کرد.' نمی‌دانم این خواب حقیقت دارد یا از خواب‌های پریشان است؟ شیخ تبسمی کرد و فرمود: «آن معلون راست گفت. دیروز در منزل ما چند مهمان وارد شدند و من برای خرید، نیاز به پول داشتم؛ ولی پولی نبود، جز آنچه که در نزد من به عنوان امانت بود. با خود گفتم: 'صاحب پول راضی است که من به عنوان قرض آن را بردارم.' کنار طاقچه رفتم تا پول را بردارم. باز احتیاط کردم و برگشتم و به خود گفتم: 'مرتضی! شاید مُردی. از کجا معلوم که زنده بمانی و قرضت را بدهی!' با این فکر، از این کار منصرف شدم...»^۱

اگر دشمن در برابر پاکان درمانده است، ما نیز برای نجات همیشگی خود از این دام‌ها و دسیسه‌ها باید به مقام اخلاص برسیم.

۱. سید عبدالحسین دستغیب، قلب قرآن، ص ۸۰.

پس تا رسیدن به منزلگاه خلوص در تمامی شئون اعتقادی و رفتاری، کم‌وبیش گرفتار وسوسه‌های دشمن هستیم و امکاناتمان، از ثروت ثروتمند و فقر فقیر تا علم عالم، زهد زاهد، عبادت عابد و... دام و تلهٔ اوست، آن‌هم به اندازهٔ درجهٔ ناخالصی و آلودگی آن‌ها. اگر پرده کنار رود، باطن آنان همان قصهٔ طناب‌هاست که یک سمت آن به گردن ما بسته شده و سمت دیگرش در دست دشمن است.

راهبردها و سیاست‌های اصولی شیطان در مبارزه



فصل دوم



شیطان برای به دام انداختن ما راهبردها و سیاست‌های اصولی دارد که بدان اشاره می‌کنیم:

۱. یورش چهارجانبه

شیطان یورشی چهارجانبه را برنامه‌ریزی می‌کند:

«از روبه‌رو»، «از پشت سر»، «از سمت راست» و «از سمت چپ». چنین هجوم همه‌جانبه‌ای را قرآن کریم این‌گونه بیان کرده است:

﴿قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَأَنْتَهُنَّ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ﴾^۱

[شیطان] گفت: «پس به سبب آنکه مرا به گمراهی افکندی، من هم برای [فریفتن] آنان، حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست؛ آنگاه از پیش رو، از پشت سر و از سمت راست و چپشان بر آنان می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت.»

۱. اعراف، ۱۶ و ۱۷.

منظور از این چهار سمت چیست؟ حدیثی ژرف از امام باقر علیه السلام این پرسش را این‌گونه پاسخ می‌دهد: «خود شیطان، هجوم از چهار سمت را توضیح داده است. دربارهٔ هجوم از روبه‌رو می‌گوید: 'آخرت را برای آدمی، سهل و ساده می‌نمایانم.'^۱

انسان در سیر ابدی خود، راهی دشوار و طولانی در پیش‌رو دارد و باید از هر فرصتی استفاده کرده و برای منزل ابدی و زندگی واقعی‌اش، توشه فراهم کند؛ ولی شیطان با وسوسه‌هایش می‌کوشد این راه دشوار و آن منزل ابدی را ساده و ناچیز نشان دهد تا انسان از سختی راه، ایستگاه‌های هولناک، حساب، میزان، صراط و... غافل شود^۲ و بدون توشه، رهسپار چنین منزلگاهی شود.

شیطان دربارهٔ هجوم از پشت سر می‌گوید: «مردمان را به جمع‌آوری مال‌ها فرمان می‌دهم و آنان را از دادن حقوق واجبی که خدا در اموال‌شان قرار داده است، باز می‌دارم تا برای وارثان و بازماندگان در پشت سر خود، به ارث گذارند.»^۳ انسان مسافر، از این رهگذر، یعنی دنیا خواهد رفت و آن

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۵۲: «لَا يَتِيَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ مَعْنَاهُ أَهْوَىٰ عَلَيْهِمْ أَمْرَ الْآخِرَةِ».

۲. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۲۰۴.

۳. «وَمَنْ خَلْفَهُمْ أَمْرُهُمْ بِجَمْعِ الْأَمْوَالِ وَالْبُخْلِ بِهَا عَنِ الْحُقُوقِ لِيَتَّبِعِي لَوْرَثَتِهِمْ».

را با همه زرق و برق‌ها و امکاناتش پشت سر خواهد گذاشت؛ با این حال، با وسوسه‌ها، فرمان‌ها و هزاران نقشه مرموز دشمن، بی‌مهابا به انباشتن اموال و امکانات مشغول می‌شود و در ادای حق محرومان و پابرهنگان نیز کوتاهی می‌کند تا با همین زراندوزی‌ها به دنیا سرگرم شود و به کمین افتد.

شیطان درباره هجوم از سمت راست می‌گوید: «من با آراستن بی‌راهه‌ها و نیکوسازی شبهه‌ها، دین آنان را تباه می‌کنم.»^۱

دین چراغ راه انسان است و تا زمانی که در دست آدمی است، سرگردان و متحیر نیست؛ ولی دشمن می‌کوشد این چراغ را از انسان بگیرد. وی دست به آرایشگری بی‌راهه‌ها می‌زند و شبهه‌ها درباره دین را عمیق و پاسخ‌ندادنی عرضه می‌کند تا برای انسان پسندیده واقع شود؛ حال آنکه اگر روکشی را که دشمن دوخته است، کنار بزنیم، درک بی‌راهه و پاسخ به شبهه، کار چندان دشواری نیست. مهارت دشمن در زیباسازی و آرایشگری را در دو فصل بعدی بیان خواهیم کرد.

شیطان در تفسیر هجوم از سمت چپ می‌گوید: «من لذت‌های حرام را برای انسان، خواستنی و دوست‌داشتنی می‌کنم و خواهش‌های نفس را بر جان‌ها مسلط می‌سازم.»^۲

۱. «وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ أَفْسِدُ عَلَيْهِمْ آمَرَ دِينِهِمْ بِتَزْيِينِ الضَّلَالَةِ وَ تَحْسِينِ الشُّبُهَةِ.»

۲. «وَعَنْ شِمَائِلِهِمْ بِتَحْيِيْبِ اللَّذَاتِ إِلَيْهِمْ وَ تَغْلِيْبِ الشَّهَوَاتِ عَلَى قُلُوبِهِمْ.»

دشمن وسوسه می‌کند تا لذت لحظه‌ای گناه، دلپذیر شود و انسان با گرایش به آن، از واقعیت گناه که چیزی جز سمّ و آتش نیست، غافل شود و رفته‌رفته به خواسته‌های بی‌پایان نفسانی‌اش گردن نهد.

شیطان از اصل هجوم همه‌جانبه استفاده می‌کند تا هر انسانی را از سمت وسویی گرفتار کند که متناسب با ضعف‌ها و کاستی‌های اوست و روشن است که شخص ضربه‌پذیر و ناتوان، از هر سو در محاصره و حمله دشمن است و خطری جدی او را تهدید می‌کند؛ مگر آنکه کاستی‌هایش را بشناسد و ترمیم کند.

۲. نشستن در کمین

راهبرد دوم شیطان برای به‌دام‌انداختن ما، نشستن در کمین است. او در انتظار غفلت ماست. خداوند این انتظار را چنین بیان می‌کند: «[شیطان گفت]: ... من برای فریفتن آنان، بر سر راه راست تو خواهم نشست.»^۱

۱. اعراف، ۱۶.

۲. این قول شیطان، نشان می‌دهد کسانی که در راه‌اند، ممکن است گرفتار کمین شوند؛ ولی آنان که به‌کلی در بیراهه سرگردان‌اند، اسیر دشمن خواهند شد.

انسان هیچ‌گاه از دشمن کمین نمی‌خورد و راه را به سلامت می‌پیماید؛ مگر آنکه غافل‌گیر شود. ما انسان‌ها مسافریم و باید از این دنیا توشه بگیریم و با تجهیزات مناسب، راه را ادامه دهیم، ولی زرق و برق دنیا از یک سو، آرزوهای دوردست^۱ از سوی دیگر و خواهش‌های نفس از مسیر سوم و... ما را به خود مشغول می‌کند؛ همانند راننده‌ای که در جادهٔ پُرفرازونشیب در حرکت است؛ ولی منظره‌ها و زیبایی‌های اطراف جاده و سرگرمی‌های پُرجاذبه، به‌گونه‌ای توجه او را جلب می‌کنند که به تدریج فراموش می‌کند در چه راهی، در حال رانندگی است و این فراموشی، زمینهٔ سقوط او می‌شود. کمین دشمن مانند «دست‌انداز» است که هربار ماشین در آن می‌افتد، گودتر می‌شود تا آنکه خدای ناکرده توان نجات و ادامهٔ حرکت کاملاً از میان می‌رود.

در پایان، به این نکتهٔ اساسی توجه کنیم که برای ما مسافران، هرچیزی یا هر موقعیتی، مانند مال و فرزند^۲، موقعیت‌های گوناگون اجتماعی و گاهی حتی عبادت، ممکن

۱. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند: «بدانید که آرزو سبب گمراهی عقل و فراموشی یاد [خدا] می‌شود» (علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبهٔ ۸۶).
۲. قرآن کریم می‌فرماید: «بدانید که اموال و فرزندان شما [وسیلهٔ] آزمایش [شما] هستند و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است» (انفال، ۲۸).

است چشمگیر و خوشایند جلوه کند که این موضوع، مایه غفلت و مانع راه و درحقیقت کمین دشمن است.

۳. هجوم گام به گام

هرچند سیاست دشمن، هجومی همه جانبه است؛ ولی در این هجوم، قدم به قدم پیشروی می کند و با اجرای یک یورش، زمینه را برای گام بعدی آماده می سازد تا نوبت به یورش دیگر رسد و همین طور... .

سیاست گام به گام دشمن، دو مرحله ای است: مرحله نخست، پوشش دادن به گناهان بزرگ و آسان نمایی جرم گناه است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده اند:

شما را به تقوای خدا سفارش می کنم؛ خدایی که... شما را از دشمنی برحذر داشته است که پنهانی در سینه ها راه گشاید و آهسته در گوش ها بدمد و سخن سُراید تا [آدمی را] گمراه کند و تباه سازد و وعده دهد و او را به دام هوس اندازد. گناهان را در دیده بیاراید و گناهان بزرگ را کوچک و آسان جلوه دهد تا آنگاه که هم نشین خود را بفریبید و راه چاره را بر او ببندد و به گروگانش گیرد.^۱

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۸۳.

مرحلهٔ دوم، وسوسه بر گناهان کوچک تا بردن به گردنه‌های دشوار است. دشمن با وسوسه بر انجام کارهای مکروه و ترک کارهای مستحیی، حمله را آغاز می‌کند و تا انجام گناهان صغیره و تکرار آن‌ها و رسیدن به گناهان بزرگ ادامه می‌دهد و پس از آن، قصدش دستبرد به اعتقادات آدمی و سست کردن آن‌ها و پاره کردن پردهٔ حجب و حیا و تصاحب حرم دل است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «آگاه باشید که شیطان راه‌هایش را برای شما هموار می‌کند تا قدم بر قدم‌هایش نهاده و راهش در پی گیرید.»^۱

همچنین می‌فرماید: «شیطان می‌خواهد دین شما را گره‌گره باز کند و به اجتماع شما تفرقه و جدایی بخشد.»^۲ صف‌شکنی و تفرقهٔ دشمن برای آن است که بتواند افراد را از اجتماع مؤمنان جدا کرده، طعمهٔ خود کند؛ همان‌گونه که گرگ، گوسفند و امانده از گله را سهم خود می‌داند.^۳

پس چشم باز کنیم و رنگ لعابی را که دشمن با وسوسه‌اش بر اندام گناهان بزرگ می‌کشد، بشناسیم و آن را کنار بزنیم و

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۳۸.

۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۲۱.

۳. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۲۷.

نیک بنگریم که انجام گناه، هرچند کوچک اگر خدای ناکرده از سر لجاجت و عناد باشد، چه اندازه خسارت بار و شکننده است؛ چون ایجاد رخنه و ضعف در استحکامات، در میدان نبرد است که از یک سو موقعیت ما را در برابر دشمن تضعیف می‌کند و از سوی دیگر به دشمن جرئت و جسارت می‌دهد تا گامی بزرگ‌تر و کمینی خطرناک‌تر دست و پا کند.

۴. یورش جمعی

شیطان، سیاست یورش جمعی دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «درحقیقت، شیطان دشمن شماست؛ پس شما نیز او را دشمن بگیرید. او حزب و سپاهش را می‌خواند تا آن‌ها از یاران آتش باشند.»^۱

حزب شیطان از آدمیان و جتّیان تشکیل می‌شود که به صورت فرد به فرد به شکار می‌روند تا هرکس را به نوبه خود وسوسه کنند و هرگاه موقعیت مناسب بود، با فراخوانی شیطان بزرگ، یکجا گرد آیند و برای پیکار با حق طلبان، جبهه واحدی تشکیل دهند.

۱. فاطر، ۶.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: «آگاه باشید! شیطان یارانش را گرد آورده و سواره و پیاده‌های لشکر خویش را ازهرسو فراخوانده است تا جور و ستم به جای خود بازگردد و باطل نیز به اصلش برگردد.»^۱

امام علیه السلام این سخن را هنگامی که از پیمان شکنی ناکشان خبردار شدند، ایراد فرمودند. این مسئله به زمان حضرت امیر علیه السلام اختصاص ندارد؛ بلکه همیشه موقعیت سران استکبار و کفر و افرادشان که با ابلیس، رابطه‌ی ولایی دارند، همین‌گونه است و ابلیس به دنبال فرصت مناسب است تا آنان را برای صف‌آرایی و سوسه کند؛ بنابراین هیچ جای تعجب نیست که امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای معاویه می‌نویسند: «ای معاویه! شیطان را از خویش بهره‌مند نکن و او را بر جان خویش راه نده.»^۲

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۲۲ و نک: خطبه ۱۰.

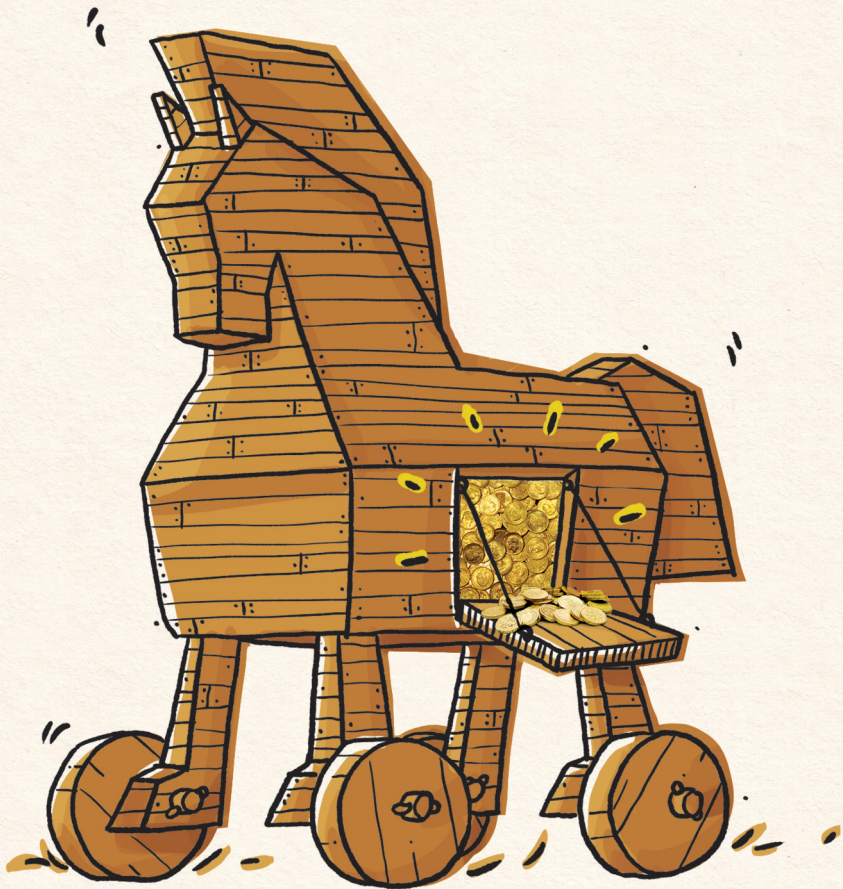
۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، نامه ۱۷.

این هشدار به معاویه هنگامی است که اگرچه او زمامدار سرزمین پهناوری است و امکانات و نیروهای زیادی را در خدمت دارد؛ ولی درواقع اسیر ابلیس و کارگزاری از کارگزاران اوست و درحقیقت خود، شیطانی انسان‌نماست.

مهارت‌های شیطان



فصل سوم



شیطان، دشمنی کارآزموده با مهارت‌های بسیاری است که نیروها و تجهیزاتی در اختیار دارد. شناختش از انسان نیز دقیق و همه‌جانبه است. او قوا، تجهیزات، گرایش‌ها و عواطف آدمی را می‌شناسد و ضعف‌ها و توانایی‌هایش را محاسبه می‌کند. برهمین اساس، راه‌های ورود به حریم دل را پیش‌بینی می‌کند و متناسب با آن‌ها مهارت‌ها و نیروهایش را به کار می‌گیرد؛ برای نمونه، انسان کافی است به آرزویی دل‌خوش یا به چیزی دل‌بسته باشد یا ضعفی در باورها و لغزشی در رفتارهایش به چشم بخورد و... که شیطان در این هنگام، دست به کار می‌شود و با مهارت تمام، از آرزوها دام فریب، از دل‌بستگی‌ها بند و کمین، از ضعف باورها رخنه‌ای تاریک و از لغزش رفتارها چالشی عمیق می‌سازد تا انسان را سرگرم و یک‌جا میخ‌کوبش کند.

اکنون ببینیم دشمن با چه مهارت‌هایی آشناست و نیروها و تجهیزاته‌اش کدام است و چگونه آن‌ها را به کار می‌بندد.

۱. زینت‌گری و صحنه‌پردازی

شیطان آرایشگر ماهری است و کالاهای زشت و نامرغوب مانند گناهان را تزئین می‌کند تا به فروش برساند. خریداران این اجناس نیز انسان‌های بی‌ایمان و نابخردی‌اند که فریبِ روکش ظاهر را می‌خورند و نمی‌توانند از پوستهٔ خیال بگذرند و به محتوا بنگرند؛ هرچند این نابالغان، انسان‌های کهنسال باشند. از جمله زینت‌هایی که شیطان آن‌ها را ابزار کارش قرار می‌دهد عبارت است از:

الف. آرایش امکانات دنیا: انسان در این دنیا امکاناتی دارد که اگر نقش واقعی آن‌ها که همان وسیله بودن است، حفظ شود، کالای آخرتی و نردبان کمال به حساب می‌آیند؛ ولی همین‌که دل را جذب کنند و نقش هدف به خود گیرند، نام و نشانی از دسیسهٔ دشمن و زینت‌گری او خواهند داشت و از محبت به دنیا خبر می‌دهند.^۱

ب. آرایش رفتارهای زشت: امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «شیطان گناه را برای او [یعنی بنده] می‌آراید تا مرتکب شود...»^۲

۱. نک: آل عمران، ۱۴.

۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبهٔ ۶۴.



یکی از طرح‌های زینت‌گری شیطان که همه کم‌وبیش می‌شناسند، این است که وقتی انسان در برابر گناهی قرار گرفت، در درجهٔ نخست، با آن احساس بیگانگی می‌کند؛ ولی شیطان با کمک نفس می‌کوشد لباسی از جاهت و زیبایی بر اندام زشت این گناه بپوشاند؛ از این رو توجیهات آغاز می‌شود، توجیهاتی که درحقیقت وسوسهٔ شیطانی است. او به‌طور کامل با چنین وسوسه‌هایی، گوشه و کنار گناه را می‌کاود: این گناه کبیره نیست. شاید دراصل گناه نباشد. با توجه به اینکه نیازمندی، اشکال ندارد. در توبه باز است و در آینده می‌توانی جبران کنی و... همچنین با ترسیم نتیجهٔ آن کار و آیندهٔ درخشان خیالی‌اش، آدمی را به انجام گناه تشویق می‌کند و با استفاده از این ترفندها او را فریب می‌دهد. هریک از این‌ها به نوبهٔ خود، لعاب و روکشی است که شیطان می‌خواهد زشتی گناه را با آن بپوشاند و این امر به شخص بستگی دارد که با کدام یک فریب بخورد.

آری! اگر انسان متوجه شود که کردارش ناپسند است، باید باشجاعت، آن‌ها را از نهان‌خانه دل بیرون بریزد؛ وگرنه قافیه را باخته است؛ چون خود را هدایت یافته و سالم و بی‌نیاز از معاینه و درمان می‌بیند.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «آیا آن‌کسی که زشتی کردارش برای او آراسته شده است و آن را زیبا می‌بیند [همانند مؤمن، نیکوکار است؟]»^۱

۲. القای وسوسه‌های زشت

رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «همیشه شیطان در کمین آدمی است و او را در خواب و بیداری وسوسه می‌کند.»^۲

اگر خدای ناکرده پذیرای وسوسه‌های دشمن شدیم و به آن‌ها ترتیب اثر دادیم، دشمن پیام‌های خطرناک‌تری برای ما خواهد فرستاد و اگر به پروردگاران پناه ببریم و حریم دل را پاس بداریم، خط و نشان دشمن ضعیف می‌شود و در نهایت نقش بر آب خواهد شد.

۱. فاطر، ۸.

۲. عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۴، ص ۴۳۰.

گونه‌ای دیگر از نقشه و وسوسه دشمن، هنگام تصمیم‌گیری انسان برای کار خیر به کار می‌رود. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «هرکس کار خیری در نظر گرفت، در انجام آن بشتابد؛ چون در هرکاری که تأخیر افتد، شیطان در آن اندیشه می‌کند [تا آدمی را منصرف کند].»^۱

شیطان در ساختن آرزوهای فریبنده و دوردست نیز مهارت کاملی دارد؛ مانند آرزوی داشتن مقام و موقعیت‌های اجتماعی، امکانات دنیایی و... تا دوست نادانش را سرگرم کند؛ به طوری که شخص برای دستیابی به آن‌ها سراز پا نشناسد و به حلال و حرام پایبند نباشد و از مقصد اصلی‌اش باز بماند.

۳. تهدیدها و وعده‌های فریبنده

در اینجا به چند نمونه از وعده‌های دروغین دشمن (ابلیس) اشاره می‌کنیم:

الف. تهدید به فقر: انسان به طور طبیعی از فقر می‌هراسد و دشمن از همین روحیه بهره می‌جوید و هنگام انفاق و دست‌گیری از درماندگان، او را تهدید به فقر می‌کند تا مبادا

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۴۳.

چیزی به درماندگان عطا کند. در سوره بقره می خوانیم: «شیطان شما را از تهی دستی بیم می دهد و شما را به زشتی وامی دارد و خداوند از جانب خود، به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد و خداوند گشایشگر دانا است.»^۱

اما این وعده مانند وعده های دیگر شیطان، دروغین است و هرگز به وقوع نمی پیوندد. چه کسی تاکنون از انفاق در راه خدا فقیر شده است؟ قرآن کریم در متن همین آیه و آیات دیگر، از ضمانت قطعی پروردگار درباره انفاق کنندگان خبر داده است: ضمانتی در جایگزینی اصل انفاق و افزون بر آن، پاداشی تا هفت صد برابر و حتی بیشتر.^۲

ب. وعده اصلاح و توبه در آینده: چاره نجات از لغزش ها و گناهان، توبه و استغفار است؛ ولی دشمن (شیطان)، دست به کار شده است. با وسوسه هایش می کوشد آدمی کار خیر را به تأخیر اندازد و رفته رفته آن را فراموش کند تا در نهایت این آرزو را به گور ببرد. امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره مکرهای شیطان فرموده اند: «[شیطان] توبه را به صورت آرزویی درمی آورد تا انسان برای انجام آن، امروز و فردا کند

۱. بقره، ۲۶۸.

۲. نک: بقره، ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۷۴.

تا آنگاه که مرگش فرارسد و به طور کامل از آن غافل شود.^۱ به همین دلیل، چون توبه راه بازگشت بنده و مایه ناامیدی دشمن است و با آن، همه زحمات و سرمایه‌گذاری‌های دشمن بر باد می‌رود، او نیز با مشورت دستیارانش، چاره‌ای اندیشیده است تا توبه را از دست انسان بگیرد و او را خلع سلاح کند. در این باره، از امام صادق علیه السلام این‌گونه روایت شده است:

هنگامی که آیه **﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ...﴾**^۲ نازل شد، ابلیس بر بالای کوهی در مکه رفت که آن را «کوه ثور» می‌نامند؛ سپس به بلندترین آوازش عفریت‌های خود را صدا زد. همه نزدش جمع شده و گفتند: «ای رهبر ما، موضوع چیست و چرا ما را فراخواندی؟» گفت: «این آیه نازل شده است. کدام یک از شما می‌تواند اثر آن را خنثی کند؟» عفریتی از شیطان‌ها برخاست و گفت: «نقشه من این است.» شیطان گفت: «نه! این کار از تو بر نمی‌آید.» عفریت دیگری برخاست و نقشه‌اش را گفت و همان پاسخ را شنید.

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۶۴.

۲. آل عمران، ۱۳۵.

وسواس خناس گفت: «این کار را به من واگذار.»
پرسید: «چه طرحی داری؟» گفت: «به آنان وعده
می‌دهم و آرزومندشان می‌کنم تا خطا کنند و چون
خطا کار شدند، استغفار را از یادشان می‌برم.» شیطان
گفت: «آری! تو به درد این کار می‌خوری.» و به او
مأموریت داد.^۱

پس ملاحظه می‌کنید که تأخیر توبه، گونه‌ای از وعده‌های
دروغین دشمن است. از کجا معلوم که عمری برای ما باقی
باشد یا در آینده، توفیق توبه بیاییم؟ اصلاً از کجا توبه‌ما
پذیرفته می‌شود؟ با این وصف، برای هر عاقلی روشن
است که امروز و فردا کردن، وعده‌سر خرمی است و با
فروگذاشتن توبه، آلودگی‌ها متراکم شده، مشکل صدچندان
می‌شود؛ به‌همین دلیل، پیروزمندان این میدان با شناخت
این نقشه‌شوم، درباره‌آن سخت هشدار داده‌اند. حضرت
امام خمینی ره نوشته‌اند:

از مکاید بزرگ شیطان و نفس خطرناک‌تر از آن، آن
است که به انسان وعده‌اصلاح در آخر عمر و زمان
پیری می‌دهد و تهذیب و توبه‌الی‌الله را به تعویق

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۹۷.

می‌اندازد؛ برای زمانی که درخت فساد و شجرهٔ زقوم، قوی شده و اراده و قیام به تهذیب، ضعیف، بلکه مرده است.^۱

۴. تباه کردن و گسستن پیوندها

مهارت دیگر دشمن در این باره، نفوذ مرموزانه در جمع مؤمنان برای گل‌آلود کردن و گسستن روابط آن‌هاست. خداوند متعال می‌فرماید: «به بندگانم بگو: آنچه را بهتر است، بگویند که شیطان میانشان را به هم می‌زند؛ زیرا شیطان همواره برای انسان، دشمنی آشکار است.»^۲

در این آیه توصیه شده است با یکدیگر به نیکوترین شکل سخن بگوییم تا مبادا بهانه‌ای به دست شیطان افتد و در صفوف ما نفوذ کند، مانند برخورد حکیمانۀ سیدمیرداماد و شیخ بهایی با یکدیگر:

روزی شاه صفوی سوار بر اسب با شیخ بهاء‌الدین (شیخ بهایی) و میرداماد به خارج شهر رفتند. مرحوم شیخ بهایی چنان با سرعت حرکت می‌کرد که بر سید

۱. مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، ره عشق (نامهٔ عرفانی حضرت امام خمینی رضی الله عنه)، ص ۲۸.

۲. اسراء، ۵۳.

سبقت می‌گرفت. سلطان در این میان می‌خواست تا هر دو را بیازماید. جلو آمد تا به شیخ بهایی رسید و چنین گفت: «شما خالی از هرگونه تکبرید؛ دلیلش این است که اسب خود را تاختید تا از سید جلو زدید؛ لیکن چون سید تکبر دارد، حتی در بیابان نیز با تکبر راه می‌رود.» شیخ پاسخ داد: «مطلب چنین نیست که شاه تصور کرده‌اند؛ بلکه قضیه از این قرار است که سید در راه رفتن سعی می‌کند باوقار باشد و من از اسب سید در حیرتم که پاهایش به زمین فرو نمی‌رود، با آن همه کوه علمی که بردوش دارد.» شاه قدری از سرعت خود کاست تا به سید رسید. به او چنین گفت: «راه رفتن شما همچون عالمی بزرگوار است؛ لیکن راه رفتن شیخ، مانند انسانی سبک است که در آن رعایت وقار و آرامش نمی‌شود.» سید در جواب فرمود: «مسئله این چنین نیست؛ زیرا دلیل این طرز راه رفتن سبک‌سری نیست و من از اسب شیخ تعجب می‌کنم که چگونه با سرعت می‌رود! شاید علتش از شوق است که چنین انسانی را بر پشت خود دارد: انسانی که دارای علم و ایمان است.»^۱

۱. نک: محمدباقر حسینی (میرداماد)، التعلیقة علی الکافی، المقدمة، ص ۱۳.

آری! دشمن مهارت‌های گوناگونی را می‌شناسد و مناسب با موقعیت، از آن‌ها استفاده می‌کند. تصور این مهارت‌ها و چگونگی کاربردشان را در قسمت‌هایی از زبور آل محمد، صحیفه سجادیه، بسیار دلکش و ژرف از زبان مبارک سیدالسادین، امام سجاد علیه السلام این‌گونه می‌خوانیم:

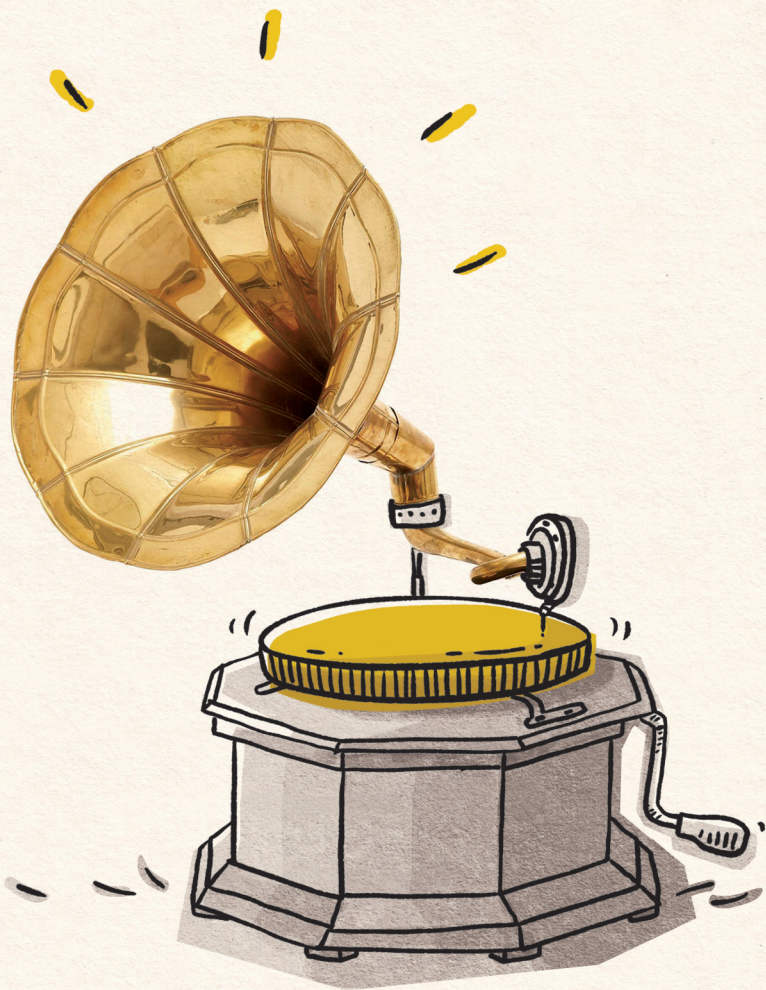
پروردگارا! اهریمن ناپاک در گوش ما سخن‌های فریبنده گوید و در چشم ما چشم‌اندازهای فریبنده به جلوه درآورد... اگر ما غفلت ورزیم، او از ما غفلت نمی‌کند و اگر فراموشش کنیم، او فراموش‌مان نمی‌کند. ما را از عقاب تو ایمنی می‌بخشد و از خشم و عقاب دیگران می‌ترساند. اگر به فحشا و فجور بیندیشیم، تشویق‌مان کند و هرگاه که به کار شایسته اهتمام کنیم، وسوسه می‌کند تا کند شویم. شهوت‌ها و هوس‌ها را در برابرمان با زینت می‌آراید و شبهه‌ها را در برابر ما نصب می‌کند.^۱

۱. علی بن حسین علیه السلام، صحیفه کامله سجادیه، بخشی از دعای ۲۵.

تجهيزات شیطان



فصل چهارم



مجموعه‌ای از صفات روحی و درونی و نیروهای بیرونی انسان، تجهیزات دشمن را فراهم می‌سازد. اکنون به فهرستی از روایات در این باره اشاره می‌کنیم:

۱. مجموعه وسایل شکار

هر دشمنی برای مبارزه، از ابزارهای مناسب و کارآمد استفاده می‌کند. شیطان نیز به خوبی می‌داند ابزارهای کارآمد چیست و چگونه از آن‌ها می‌توان نهایت استفاده را کرد. اینک به بخشی از این ابزارها در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام اشاره می‌نماییم:

الف. تور صید: «دوستی دنیا» تور شیطان است.^۱

ب. شمشیر: «دوستی زنان [نامحرم]، شمشیر شیطان است.»^۲

۱. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۰۴.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۴۰.

۳. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز در حدیثی فرموده‌اند: «مطمئن‌ترین سلاح برای ابلیس، زنان [هوس پرست] هستند» (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۱۶۴).

- ج. تله: «شراب خواری تله شیطان است.»^۱
- د. تیر: «دوستی درهم و دینار، تیر شیطان است.»^۲
- هـ. نیش: «منافقان جماعت شیطان و نیش اویند...»^۳
- و. کمند: «برای شیطان، کمندی بزرگ‌تر از خشم و زنان [هواپرست] نیست.»^۴

۲. دستیار نیرومند

نفس سرکش «أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ» (امرکننده به زشتی‌ها) به‌تنهایی با وسوسه‌گری،^۵ خواهش‌های بی‌پایان،^۶ زینت‌آرایی گناه^۷ و هموارکردن و آسان‌نمایی جرم‌های سنگین،^۸ در به‌خطرانداختن انسان، ید طولایی دارد و اگر یکه‌تاز صحنه جان شود، عقل را به‌اسارت می‌گیرد و با

-
۱. محمدبن حسن حرعاملی، الفصول المهمة فی اصول الائمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۳۹۱.
 ۲. محمدبن حسن حرعاملی، الفصول المهمة فی اصول الائمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۳۹۱.
 ۳. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۴.
 ۴. عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۵۸.
 ۵. نک: ق، ۱۶.
 ۶. نک: نازعات، ۴۰.
 ۷. نک: طه، ۹۶؛ یوسف، ۸۳.
 ۸. نک: مائده، ۳۰.

حرص و ولع بی‌پایانش، آدمی را به قعر جهنم می‌فرستد. یادمان باشد همین نفس اماره سرکش بود که خود، به تنهایی، شیطان (ابلیس) را در آزمایش سجده بر آدم، به زمین کوبید و هم‌اکنون در نقش دستیار شیطان فعالیت می‌کند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «نفس بسیار فریب‌کار است. اگر به او اعتماد کنی، شیطان تو را به سوی انجام کارهای حرام پیش می‌برد.»^۱

امام خمینی مد ظله العالی دربارهٔ خطر این دشمن، نفس اماره، می‌گویند: «...این بت، از همهٔ بت‌ها بزرگ‌تر است و شکستنش نیز از همهٔ مشکل‌تر است... اگر ره‌ایش کنید، شما را به هلاکت می‌کشاند... درجه‌درجه پیش می‌برد؛ تا آنجاکه دین را از دست انسان می‌گیرد...»^۲

این دشمن خانگی، در نقش همکاری کارآمد برای شیطان، وارد معرکه شده است و به یاری او می‌شتابد.

۱. عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۷.
۲. بیانات در دیدار با روحانیون، ۲۹ اسفند ۱۳۶۷، به نقل از:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «نِعْمَ عَوْنُ الشَّيْطَانِ إِتْبَاعُ
الْهَوَىٰ»^۱ (پیروی از نفس، چه خوب یاوری برای شیطان
است!) نیز فرموده‌اند: «الْهَوَىٰ قَائِدُ جَيْشِ الشَّيْطَانِ»^۲
(هوای نفس، فرمانده سپاه شیطان است.)

بدین ترتیب، نبرد با این گماشته و دستیار خانگی که
دشمن‌ترین دشمنان است، جهاد اکبر نامیده می‌شود و همسو
با نبرد با شیطان است؛ یعنی هرچه انسان، نفس را خوار و
خواهش‌هایش را لگدکوب کند، در واقع دشمن بیرونی یعنی
شیطان را خوار و پایمال کرده است؛ پس اگر نفس، شکست
خورد و سر جایش نشست، شیطان برای دستبرد به جان،
کمتر طمع می‌کند؛ چون امیر سپاهش اسیر شده و دستیارش
از پای درآمده است؛ به همین دلیل، امیرالمؤمنین علی علیه السلام
سفارش کرده‌اند که با خواسته‌های نفس مخالفت کنیم تا بر
شیطان چیره شویم^۳ و حتی بالاتر از این، کسب همه کمال‌ها
را در گرو مبارزه با نفس سرکش می‌شناسند.

شخصی به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: «ای
رسول خدا، راه رسیدن به معرفت حق چیست؟» حضرت

۱. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۹۴.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۱۹.

۳. نک: عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۳.



فرمودند: «شناخت خویشتن.» گفت: «راه موافقت حق چیست؟» فرمودند: «مخالفت با نفس.» پرسید: «راه رسیدن به خشنودی حق چیست؟» فرمودند: «خشم بر نفس.» پرسید: «راه رسیدن به وصل حق چیست؟» فرمودند: «بریدن از نفس.» پرسید: «راه نزدیکی به خدا چیست؟» فرمودند: «دوری از نفس.» گفت: «چگونه می‌توان به این‌ها رسید؟» فرمودند: «کمک‌خواستن از خداوند علیه نفس.»^۱

افزون بر این تجهیزات، دشمن غنیمت‌های کارساز و بی‌شماری نیز در دست دارد که از نیروهای اسیر خود، به‌چنگ آورده است و بامهارت، از آن‌ها استفاده می‌کند. این نکته را در ادامه همین بحث بیان خواهیم کرد.

۳. لشکرانبوه

شیطان نیروهای بی‌شماری از جن و انس، در خدمت خود دارد که سپاهیان او محسوب می‌شوند و دستورهای او را اجرا می‌کنند. این نیروها، همان اسیرانی‌اند که رفته‌رفته تحت تأثیر برنامه‌های ابلیس، از خود بیگانه می‌شوند؛ سپس به‌طور رسمی، به‌عضویت حزب شیطان درمی‌آیند و

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۷۲.

با تمام وجود، در خدمت شیطان قرار می‌گیرند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «ابلیس در هر امتی، سپاهیان و یاران و پیاده‌نظام و سواره‌نظام دارد.»^۱

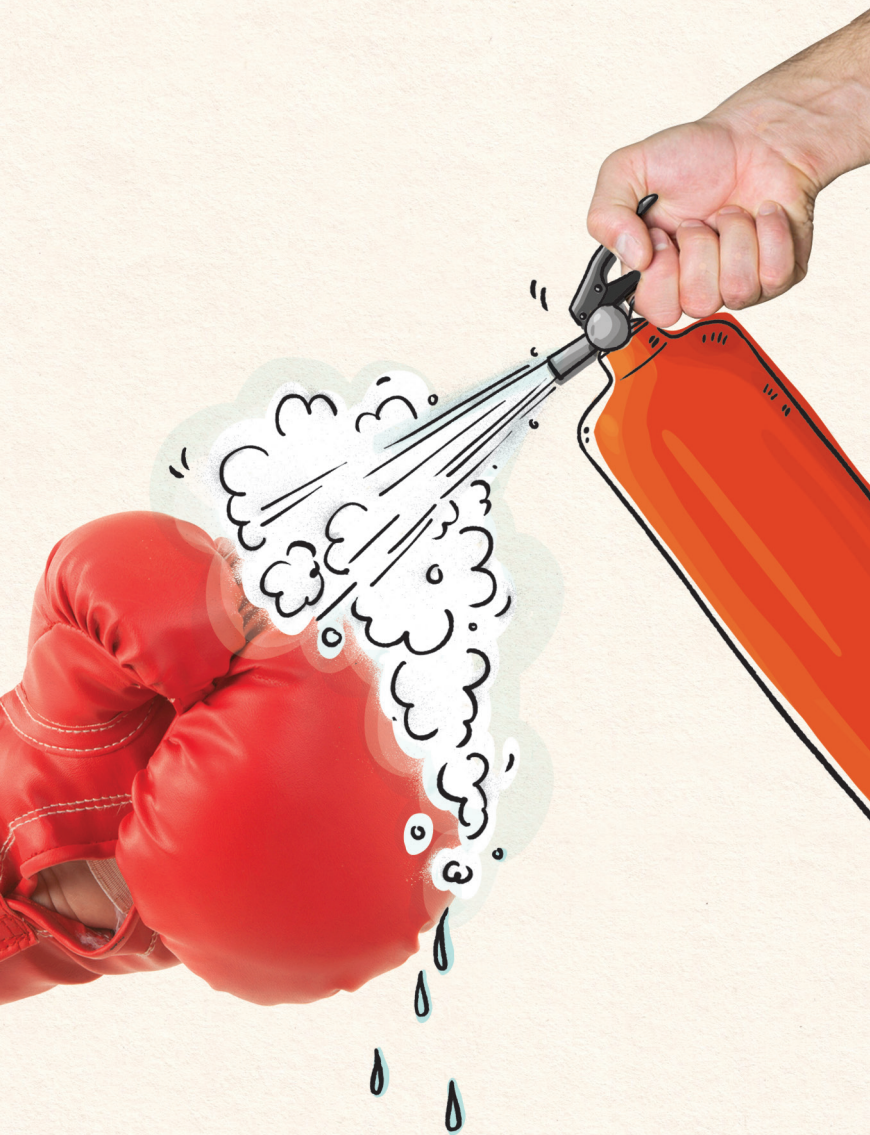
آشکارترین این نیروها، سرکردگان کفر و استکبار و همه کسانی‌اند که در زمین فساد به‌پا می‌کنند. شیطان با چشم آنان می‌بیند و با زبان آن‌ها سخن می‌گوید،^۲ نشانه‌هایش را با نیروی آنان جابه‌جا می‌کند و پرچمش را به دست آن‌ها برافراشته نگاه می‌دارد^۳ و با دست آنان تیر می‌اندازد و با اندیشه و افکار آن‌ها نقشه می‌کشد.

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.
۲. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۷.
۳. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۲.

کمین‌گاه‌های حساس و گلوگاه‌های خطر



فصل پنجم



کمین‌گاه‌ها و گلوگاه‌ها به موقعیت‌هایی گفته می‌شود که برای شیطان، فرصتی طلایی و برای ما سخت‌شکننده و خسارت‌بار است؛ چون در این موقعیت‌ها، در تیررس شیطان قرار داریم و هر لحظه ممکن است در دام او گرفتار شویم؛ مانند صیدِ غافل از دام و کمین که ناگاه به دام می‌افتد.

خطر این موقعیت‌ها در یک سطح نیست و برخی از آن‌ها حساس و فوق‌العاده‌اند؛ مانند کمین‌هایی که خود دشمن یعنی ابلیس نیز در سرپیچی از فرمان خدا برای سجده بر آدم آن‌ها را تجربه کرده و با ورود در آن، ضربه‌ای کاری خورده است: کمین‌هایی همچون تکبر و نافرمانی خدا،^۱ حسادت به آدم،^۲ عجب به خویش^۳ و یأس و ناامیدی از بخشش خدا.^۴

۱. نک: ص، ۷۵.

۲. نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۷۴، ذیل تفسیر آیه ۱۱ سوره اعراف.

۳. نک: اسراء، ۶۱.

۴. نهادن نام ابلیس برای شیطان، به دلیل یأس و ناامیدی اش از رحمت خداست (عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۱، ص ۳۷).

قاعدۀ کلی آن است که دشمن همه جا کمین دارد و در انتظار غفلت ماست.

۱. کمین‌گاه‌های حساس

کمین‌گاه‌های حساس شیطان عبارت‌اند از:

الف. عجب: اگر انسان به خود ببالد و از خود شگفت‌زده شود و خشنود باشد، گرفتار عجب خواهد شد و در این بالیدن، تفاوتی نمی‌کند به علمش بنزد یا به عبادتش، به زهدش یا به جمالش، فقر او در نظرش جلوه کند یا ثروتش و... در هر حال، عجب آدمی بهترین فرصت برای دشمن است: آن‌هم دشمنی که همیشه در انتظار چنین لحظه‌های طلایی‌ای است. امیرمؤمنان علی علیه السلام این نقطه بحران را برای مالک اشتر این‌گونه ترسیم کرده‌اند: «از خودپسندی، اعتماد، تکیه بر جنبه‌های قوت خویش و ستایش شدن را دوست داشتن، بپرهیز که این‌ها همه از بهترین فرصت‌های شیطان است تا بتازد و کرده نیکوکاران را نابود کند.»^۱

دشمن، خود گرفتار این بیماری مهلک است و در برابر فرمان خداوند به سجده بر آدم، به خود بالید^۲ و گفت:

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، نامه ۵۲.

۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند: «...فَأَفْتَحَرَ عَلَى آدَمَ يَخْلُقُهُ: [شیطان] بر آدم به سبب آفرینش خود از آتش فخر فروخت» (علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

﴿...أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ...﴾ (من از او بهترم)؛ به همین دلیل، از صف فرشتگان اخراج شد؛ پس او خطر این کمین را به خوبی می‌داند و خود نیز در گفت‌وگویی با حضرت موسی علیه السلام به این پرتگاه اعتراف کرده است:

حضرت موسی علیه السلام در مجلسی نشسته بودند که ناگاه ابلیس به محضر آن حضرت رسید؛ درحالی‌که کلاه رنگارنگ و درازی بر سر داشت. وقتی نزدیک شد، از روی احترام کلاهش را از سر برداشت؛ سپس دوباره آن را بر سر گذاشت و گفت: «السلام علیک.» حضرت موسی علیه السلام فرمودند: «تو کیستی؟» جواب داد: «من ابلیس هستم.» حضرت موسی علیه السلام فرمودند: «خدا تو را بکشد! برای چه اینجا آمده‌ای؟» ابلیس گفت: «آمده‌ام به خاطر مقام ارجمندی که در پیشگاه خدا داری، بر تو سلام کنم.» حضرت موسی علیه السلام فرمودند: «با این کلاه رنگارنگ چه می‌کنی؟» ابلیس گفت: «با این کلاه، دل‌های فرزندان آدم را آلوده و منحرف می‌کنم.» حضرت موسی علیه السلام فرمودند: «چه کاری است که اگر انسان انجام دهد، بر او چیره می‌شوی؟» ابلیس گفت: «هنگامی‌که انسان

به خود ببالد و عملش را زیاد بشمارد و گناهانش را کوچک ببیند.» سپس از مجلس بیرون رفت، درحالی که می‌گفت: «وای بر من! موسی اموری را دانست که به وسیله آن، انسان‌ها را از آلودگی برحذر می‌دارد.»^۱

ب. حسادت: شخص حسود در تیررس دشمن است و حسادت، شکارگاه ابلیس است. امیرمؤمنان علی ع می‌فرماید: «از حسد برحذر باش که بدترین منش و زشت‌ترین صفت است و [از] خلق و خوی ابلیس است.»^۲

قرآن کریم نمونه‌ای از این دام را که درباره برادران یوسف است، این‌گونه بیان می‌کند:

شیطان شعله حسادت را در سینه‌های آن‌ها برافروخت تا جایی که حاضر شدند به برادرکشی دست بزنند یا او را در زمینی دوردست بیفکنند^۳ و این یعقوب فرزانه بود که توطئه دشمن را پیش از حادثه شناخت و هشدار داد: «... شیطان برای آدمی، دشمنی آشکار است.»^۴

ج. کبر: به خودبرتربینی و سرکشی و باور برتری بر دیگران،

۱. محمدبن محمد مفید، کتاب الامالی، ص ۱۵۶ و ۱۵۷.

۲. عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۶۷.

۳. نک: یوسف، ۹.

۴. یوسف، ۵.

کبر می‌گویند که آثاری دارد. از جمله: کوچک شمردن دیگران، انتظار سلام و احترام گذاشتن از سوی دیگران، خرامان راه رفتن و ...^۱

کبر، نخستین گناهی است که خدا با آن معصیت شد.^۲ این صفت خطرناک روحی، مانند دو صفت پیشین، از بیماری‌های واگیردار و کشنده خود شیطان است و در واقع، شیطان به خاطر همین تکبر، از سجده سر باز زد و سقوط کرد. امیر مؤمنان علی علیه السلام در هشدار شدیدی فرمودند:

بندگان خدا! از اینکه شیطان شما را به بیماری خود، تکبر، مبتلا کند، بپرهیزید... ابلیس با کبر که مانند زهر کشنده‌ای است، به دل‌ها حمله می‌برد. این زهری است که از کار نمی‌افتد و هرکس گرفتارش شد، سالم از آن نمی‌گذرد: نه دانشمند به سبب دانش خود و نه درمانده به سبب کهنه پوشی‌اش...^۳

د. یأس و ناامیدی: یأس از رحمت خدا و ناامیدی از برآورده شدن خواسته‌ها، بحران می‌آفریند؛ چون شیطان به دنبال انسان‌هایی است که از درگاه خدا قطع امید کرده و

۱. نک: احمد نراقی، معراج السعادة، ص ۲۶۱.

۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۳. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

بی‌پناه شده‌اند. او نیز این بی‌پناهی و سرگردانی در شکارگاه یأس را قلع و قمع خواهد کرد.

ابونصر بزنتی از اصحاب امام علی بن موسی الرضا علیه السلام خدمت امام علیه السلام عرض کرد: «فدایت شوم، چند سالی است که از خدا حاجتی می‌طلبم و در دلم از تأخیر اجابت، احساسی دارم.» حضرت فرمودند: «ای احمد، مواظب باش که شیطان از این رهگذر، تو را وسوسه نکند تا آنکه مأیوست کند!»^۱
هـ. خشم و غضب: شاید این کمین، از کمین‌های دیگر خطرناک‌تر باشد؛ چون خشم، شعبه‌ای از دیوانگی است. در این حالت، عقل از کار می‌افتد، کنترل انسان از دست می‌رود و از خود غافل می‌شود و برای دشمن چه فرصتی طلایی‌تر از این فرصت خواهد بود؟ با از دست رفتن کنترل و انزوای عقل، اعضای بدن، به‌ویژه زبان، به فرمان دشمن رها می‌شوند و فاجعه‌ها می‌آفرینند؛ از این رو، در روایات، خشم به عنوان سپاهی از سپاهیان دشمن معرفی شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام به حارث همدانی نوشت: «از خشم بپرهیز که آن، سپاهی بزرگ از سپاهیان ابلیس است.»^۲

شیطان نیز درباره کارآمدی این کمین، به حضرت نوح علیه السلام

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۸۸.

۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، نامه ۶۹.

این‌گونه خبر داده است:

مرا درسه جا یاد کن که در هریک از آن‌ها به بنده بسیار نزدیکم: مرا یاد کن هنگامی که غضبناک و خشمگین شدی و هنگامی که میان دو نفر داوری می‌کنی و آن‌گاه که تنها با زن [نامحرم] در یک جا به سر می‌بری و با شما فرد دیگری نیست.^۱

همچنین ظلم و ستم، تردید، کینه، بخل و آزمندی، هریک به نوبه خود، کمینی برای دشمن به حساب می‌آیند. در روایت آمده است: «شیطان به سپاهیان‌ش سفارش می‌کند که در میان بندگان خدا، حسادت و ستم را پخش کنید؛ چون این دو، هم‌ردیف شرک به خداست.»^۲

درباره بخل و آزمندی، این هشدار قرآن کریم کافی است که شیطان ما را از تهی دستی بیم می‌دهد و به زشتی وامی‌دارد.^۳

۲. گلوگاه‌های خطر

گلوگاه‌های خطر دشمن عبارت‌اند از:

۱. عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۱، ص ۳۷۰.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۲۷.

۳. نک: بقره، ۲۶۸.

الف. گذرگاه مرگ: دشمن هر جا موقعیت روحی ما را بحرانی و متزلزل ببیند، همان جا حاضر می‌شود و وسوسه می‌کند. لحظهٔ جان دادن، یکی از این موقعیت‌های بسیار بحرانی برای ماست. ما به تناسب بحث، به دنبال تهیهٔ گزارشی از آخرین تلاش شیطان در واپسین لحظه‌های حیات هستیم تا هشدارهای قرآن کریم باورمان شود که می‌فرماید: «شیطان برای انسان، دشمنی است آشکار.»^۱

تصور کنید دشمن چه اندازه باید کینه‌توز و لجوج باشد که هنگام عبور انسان از مرحله‌ای بسیار دشوار همانند مرگ که سخت نیازمند مراقبت و آرامش است، دست‌به‌کار شود، بلکه بتواند با وسوسه‌های زهرآگین خود در این لحظه‌های پایانی، حتی یک نفر دیگر را از حریم دین بیرون ببرد تا سرانجام، او را با دست خالی، از این گلوگاه خطر، روانهٔ عالم برزخ کند. به همین دلیل، انسان فلسفهٔ تلقین بر مرده را که در روایات سفارش شده است، تا اندازه‌ای درک می‌کند؛ مانند این روایت که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

ابلیس به یاران و زبردستان خود مأموریت می‌دهد تا در دین کسانی که در حال جان دادن هستند، وسوسه

۱. یوسف، ۵.

کنند و آنها را به شک اندازند؛ پس شما اطرافیان،
محتضر، شهادتین را به او تلقین کنید.^۱

تلقینِ مرده، آن‌هم با عباراتی که از باورهای اصولی ماست و حتی برای کودک مسلمان نیز روشن و مشخص است، یعنی شهادت به توحید و رسالت، نشان می‌دهد اصولی‌ترین و درعین حال روشن‌ترین باورها ممکن است در آن لحظه‌ها با دسیسه‌های شیطان، دستخوش دگرگونی شود؛ چون بنا به تعبیر بزرگان، هرگز حادثهٔ مرگ کمتر از تب شدید نیست و همان‌گونه که ممکن است آدمی با تبی شدید، همه چیز حتی نام خود را فراموش کند، با مرگ، این امکان بیشتر و سزاوارتر است.

بدین‌سان باید باورهای درست، در دل و جان ریشه دواند و با همهٔ تاروپود ما گره بخورد تا با حوادث تندی مانند مرگ، ریشه‌کن نشود و مایهٔ سقوط ما نگردد. برای نفوذ باورها در دل و جان، باید کمر همت بست و افزون بر رابطهٔ ولایی با اهل بیت علیهم‌السلام، تسلیم محض خدا بود و بنده و سرسپردهٔ او شد.

۱. نک: محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۳.

یکی از نشانه‌های آشکار سرسپردگی به خداوند، دست‌شستن از هرچیز در اول وقت نماز و رازونیاز با معبود و در نتیجه، استحکام بخشی به دوستی با اهل بیت علیهم‌السلام است.

رابطه با اهل بیت علیهم‌السلام و اعتقاد به برحق بودن آنان نیز سرمایه‌ عظیمی برای نجات آدمی است؛ سرمایه‌ای که شیطان با همه‌توان می‌کوشد، مانند سرمایه‌های دیگر، آن را در فرصتی طلایی که لحظه‌مرگ است، از ما بگیرد. در روایتی این‌گونه می‌خوانیم:

شیطان در موقع مرگ دوستان ما [اهل‌بیت] از راست و چپ می‌آید تا آن‌ها را از اعتقادشان بازدارد؛ اما خداوند اجازه‌چنین کاری را به او نخواهد داد و این است معنای سخن خداوند در قرآن که فرمود: «خداوند، اهل‌ایمان را با عقیده‌ثابت در دنیا و آخرت پایدارمی‌دارد و مانع از لغزش آن‌ها می‌شود.»^۱ دومین راه برای پیشگیری از دگرگونی‌ها «یاد مرگ» است.

۱. محمدبن‌علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۴ و ۱۳۵، ذیل تفسیر آیه ۲۷ سوره ابراهیم.

در روایات زیادی سفارش شده است که همیشه در زندگی به یاد مرگ باشیم. این یادآوری، آثار و برکات فراوانی دارد؛ از جمله کسب آمادگی لازم برای رفتن است تا خدای ناکرده با مشاهده مرگ، غافلگیر نشویم. امیر مؤمنان علی علیه السلام در بخشی از وصیت نامه خود به فرزندانش فرمودند:

پسرم! بسیار به یاد مرگ و به یاد پیشامدهای پس از آن که ناگاه بر آن درآیی، باش تا وقتی که مرگ تو را می‌گیرد، خود را آماده کرده، سلاح خود پوشیده، کمر بسته باشی و مبادا بدون آمادگی قبلی، ناگاه مرگ تو را دریابد و بر تو چیره شود!

اگر یاد مرگ در ذائقه ما تلخ است، دلیل بر بیماری و خودمشغولی ما به پندارها و دنیاست؛ پس تا فرصت داریم، باید چاره کنیم.

کسب رضای خدا، فراهم آوردن توشه نیکو و آمادگی لازم برای رفتن و در یک کلام، عمل به نسخه‌های قرآن کریم و عترت، راه نجات از این گذرگاه بحرانی است.

ب. احساس ناامنی در آمیزش: در منابع دینی و متون اسلام به ما سفارش کرده‌اند که در حال آمیزش،

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، نامه ۲۱.

به یاد خدا و در احساس امنیت باشیم، و سوسه‌ای ما را نفریید و حال و هوای دیگری جز همسر در سر نداشته باشیم. بر اساس روایات، شیطان در لحظهٔ آمیزش، ممکن است از طریق نطفه، شریک فرزند شود و سهمی از او را نصیب خود کند.^۱

یکی از نویسندگان معاصر نوشته است:

امروز، علم روان‌شناسی ژنتیک نیز اثبات کرده است که حال و هوای زن و شوهر در حین انتقال نطفه، در فرزندان نشان مؤثر است و اگر آنان در حین آمیزش، دچار اضطراب و تشویش و حتی احساس گناه و فریب باشند، این امر در سرنوشت فرزندان مؤثر خواهد بود.^۲

اهل بیت علیهم‌السلام برای رهایی از این بحران، دستورالعمل‌هایی صادر کرده‌اند تا اندیشهٔ آدمی پاک شود و احساس آرامش کند؛ برای نمونه، از ما خواسته‌اند با وضو باشیم. پیش از آمیزش، دو رکعت نماز بخوانیم. برای سعادت خود و فرزندان که از این روابط پدید می‌آیند، دعا کنیم. از خدا فرزندی صالح

۱. نک: محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۴۴۳ و ۴۴۴.

۲. نک: علی قائمی، خانواده در اسلام، ص ۱۲.

طلب کنیم و آداب متعدد دیگر^۱ و نیز سفارش می‌کنند که نطفه از لقمه حرام بسته نشود.

ج. جمع هواپرستان: نشست و برخاست با انسان‌های آلوده هوس‌باز، خطرناک است و جمع آنان گلوگاهی برای فریب آدمی است؛ چون در این جمع، ایمان به دست فراموشی سپرده می‌شود و درعوض، شیطان حضور فعال می‌یابد و از این زمینه مساعد، به نفع خود بهره‌برداری می‌کند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «هم‌نشینی با اهل هوا، فراموش‌خانه ایمان و محل حضور شیطان است.»^۲ این خطر هنگامی دوچندان می‌شود که جمعی از منکران حق، دور هم جمع شوند و درباره اولیای خدا سخنانی ناروا گویند و به آنان نیشخند بزنند.

۱. امام صادق علیه السلام درباره دعای آمیزش، به یکی از اصحابشان سفارش می‌کنند که این‌گونه بگوید: «بِكَلِمَاتِ اللَّهِ اسْتَخَلْتُ فَرْجَهَا وَ فِي آمَانَةِ اللَّهِ أَخَذْتُهَا اللَّهُمَّ إِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئًا فَأَجْعَلْهُ بَارَأً تَقِيًّا وَ اجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَ لَا تَجْعَلْ فِيهِ شِرْكَاً لِلشَّيْطَانِ...» (محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۴۴۳).

۲. برای شناخت دستورالعمل‌ها و توضیح بیشتر، نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۲۳ و ج ۵، ص ۵۰۳؛ محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۹۹.

۳. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۸۶.

د. خانه‌های بی فروغ: امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: «... در خانه‌ای که قرآن خوانده نشود و یاد خدا نباشد، برکتش کم می‌شود، فرشتگان از آن دوری می‌کنند و شیطان‌ها در آن حضور می‌یابند.»^۱

– فضای مسموم اجتماع: فضای مسموم جامعه، به فعالیت دشمن (ابلیس) شتاب می‌دهد و بازار او را رونق می‌بخشد. امیر مؤمنان علی علیه السلام گوشه‌ای از مختصات چنین جامعه‌ای و شتاب فعالیت شیطان را در آن این‌گونه ترسیم کرده است:

در آن جامعه، فقیر از فقر و ناداری اش رنج می‌برد و شکیبایی ندارد. ثروتمند، شکر نعمت خدا را به جا نمی‌آورد و کفران نعمت می‌کند. بخیل، ندادن حق خدا را فزونی مال محسوب می‌کند. گوش متمرد سرکش، برای شنیدن پند و اندرز سنگین می‌شود... فساد و تباهی آشکار می‌شود. کسی نیست که آن را تغییر دهد یا از آن جلوگیری کند... در چنین محیطی، خیر و نیکویی، پشت کرده و شرّ و بدی رو آورده است. شیطان به هلاکت و تباه کردن مردم

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۹۹.

چشمِ طمع دوخته، اسبابِ کارش قوّت گرفته، حيله و فریبش فراگیر شده و شکاروی در دسترسش قرار گرفته است.^۱

و. شکاف صف‌های مؤمنان: دشمن در کمین تفرقه و جدایی‌هاست و برای ایجاد شکاف میان جامعه، سرمایه‌گذاری می‌کند و با وسوسه در دل‌ها، می‌کوشد تا صف مؤمنان را بشکند و به تدریج آنان را با یکدیگر رودررو کند؛ از این رو، قرآن کریم به ما توصیه می‌کند به‌گونه‌ای با یکدیگر صحبت کنیم که بهانه به دست دشمن نیفتد.^۲ حضرت علی علیه السلام دربارهٔ این گلوگاه می‌فرماید: «شیطان می‌خواهد اجتماع شما را متفرق سازد و با تفرقه، فتنه بسازد؛ پس، از فسادها و وسوسه‌هایش روی بگردانید.»^۳ همین‌اندازه که رابطهٔ انسان با برادر ایمانی‌اش گِل‌آلود شود، شیطان در گام بعدی با وسوسه، دیدگاه او را دربارهٔ برادرش منفی می‌کند؛ به‌گونه‌ای که اگر در وضعیتی

۱. علی بن ابی‌طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۲۹.

۲. «به بندگان من بگو که [با یکدیگر] به صورت نیکو سخن گویند. هرآینه شیطان در میان آنان وسوسه و فساد می‌کند. به تحقیق، شیطان برای انسان، دشمنی آشکار است» (اسراء، ۵۳).

۳. علی بن ابی‌طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۲۱.

عادی بود، هرگز چنین افکاری به قلبش خطور نمی‌کرد؛ به همین دلیل در نگاه او، نشست و برخاست، سکوت و کلام و همه رفتارهای برادر ایمانی‌اش معنا و مفهوم دیگری می‌یابد و برائت و سوسه دشمن، چالش‌ها و ضعف‌هایی را می‌بیند؛ برای مثال در دیدگاه بیمارگونه‌اش او را متکبر، سست‌اراده، خودخواه و... می‌بیند؛ درحالی‌که هیچ‌یک واقعیت ندارد و این‌ها دسیسه‌های شیطان است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: «از تفرقه و جدایی پرهیز؛ چون هرکس از اهل حق بُرید، نصیب شیطان خواهد بود؛ همان‌گونه که گوسفند و امانده از گله، سهم‌گرم است.»^۱

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا دشمن با این تجهیزات و کمین‌گاه‌ها می‌تواند انسان را به اسارت درآورد؟ در پاسخ باید گفت: «آری!» البته اگر خود انسان بر اثر نادانی و لجبازی بخواهد به این اسارت تن دهد. در این صورت، دشمن با قطع نیروی پشتیبانی، یاد خدا و تسخیر سنگرهای اعتقادی، رفته‌رفته تمامی صحنه جان را اشغال می‌کند و پس از تصرف، مَهر اسارت بر آن می‌زند.

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۷۵.

گاهی اسارت، عین آزادگی و شرافت و گاهی عین بردگی و ذلت است: این اسارت از قسم دوم می‌باشد. در اسارت‌ها بیگاری بدنی، رسمی معمول است؛ ولی در این اسارت نه تنها توانایی‌های جسمی، بلکه همه قوای فکری، احساسی و عاطفی، یکجا در دست دشمن خواهد بود. اسارت‌های معمولی، موقتی بوده؛ ولی این اسارت جاودانه است. این اسارت خط پایانی است که با تصرف قلب صورت می‌گیرد. قلب به عنوان مرکز همه غرایز، احساس‌ها، عاطفه‌ها و... در چنگ دشمن است و در آن لانه می‌سازد و پایگاهی مطمئن برپا می‌کند؛ مانند پایتختی که رژیم کودتا آن را در اختیار می‌گیرد و به دنبال آن، همه امکانات لشکری و کشوری و نیز قوای اجرایی، قضایی و قانونگذاری در دست اوست. امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره کسانی که در اسارت شیطان‌اند، می‌فرمایند:

آنان [عمل] شیطان را مقیاس و ملاک کارشان قرار داده‌اند؛ او نیز آنان را دام خویش برگزیده [بسی] در سینه آنان تخم می‌گذارد و جوجه‌هایش را می‌پروراند. با چشمان آنان می‌بیند و با زبان‌شان سخن می‌گوید...^۱

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۷.

وا اسفا! چرا انسان به چنین اسارتی تن دهد تا به جایی رسد
که فرمان‌های دشمنش را بی چون و چرا برآورده کند؟! آیا
شایسته نیست بیدار شویم و برای دفع این فاجعه چاره‌ای
بیندیشیم!؟

حاصل سخن

شیطان موجودی واقعی و دشمنی جدی است و ما چه بخواهیم، چه نخواهیم، چه بدانیم و چه ندانیم، با این دشمن همه جا و همه وقت دست به گریبانیم. او در آزمون سجده بر پدر ما، حضرت آدم علیه السلام، شکست سختی خورد و کینه ما را به دل گرفت. شیطان زبان توصیه و رفاقت نمی شناسد و باید او را با سنگ اراده راند و این موضوع، درسی جاودانه است که باید آویزه گوش جان شود و در متن زندگی جای خود را بیابد.

ما باید باور کنیم که دشمن ما سخت کینه توز است. او از خدا مهلت گرفته است تا با همه توان، به آدمی حمله کند. خداوند نیز بر اساس حکمت، به او مهلت داده است تا ما را بیازماید. هدف او به بی راهه بردن انسان همراه با خسارت و هلاکت است. توان او محدود است؛ ولی به هیچ کس در هیچ موقعیتی، کوچک ترین رحمی نمی کند و اگر در برابر مخلصان و پاک شدگان ناب نیز اظهار درماندگی می کند، از آن جهت است که نمی تواند، نه اینکه نخواهد.

دشمن با برنامه کار می کند، از موقعیت آدمی در این جهان به خوبی اطلاع دارد، روحیه ها و گرایش ها و خصوصیت های

دیگر انسان‌ها را می‌شناسد، سیاست‌های اصولی چهارگانه را به‌عنوان خط مشی کلی برگزیده است و با مهارت‌ها، تجهیزات و نیروهایش، سخت می‌کوشد هرکس را به‌فراخور حالش، حتی به‌اندازهٔ یک گام، به دام‌هایش نزدیک کند تا رفته‌رفته زهر نهایی خود را بریزد.

دشمن در کمین‌گاه‌ها و گلوگاه‌ها، چشم‌به‌راه لغزش‌های آدمی و در انتظار فرصت مناسبی است که حمله کند و به پیش‌روی‌اش ادامه دهد تا زمینه را برای اسارت کامل انسان فراهم آورد و آنگاه هویت انسانی انسان را از او بگیرد و به‌جای آن، هویت شیطانی خودش را تزریق کند؛ سپس این بی‌پناه قلع‌و‌قمع‌شده و این تهی‌مغز بازی‌خورده را به قعر دوزخ بفرستد.

آری، ای عزیزان! در یک کلام، بیماری‌های اخلاقی نوعی اجابت‌کردنِ دعوت شیطان و گام‌نهادن در مسیر اسارت و آتش است و اجابت دعوت خداوند و پیامبران‌ش، نجات و معراج ماست. پیامبر عزیز ما ﷺ می‌فرماید:

ای مردم! جزاین نیست که خداست و شیطان، حق است و باطل، هدایت است و ضلالت، رشد است و گمراهی، دنیاست و آخرت، خوبی‌هاست و بدی‌ها؛

پس آنچه از خوبی هاست، برای خداست و آنچه از
زشتی هاست، برای شیطان ملعون است.^۱

نیز فرموده‌اند: «أَلَا وَإِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَطَاعَهُ
وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ.»^۲ (آگاه باشید! خردمندترین مردم،
بنده‌ای است که پروردگارش را بشناسد، پس فرمانش بَرَد و
دشمنش را بشناسد و نافرمانی‌اش کند.)

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶.

۲. حسن بن محمد دیلمی، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۳۷.

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی الحديد، عبد الحميد بن هبة الله بن ابی الحديد معتزلی، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحديد، به تحقیق و تصحيح محمد ابوالفضل ابراهيم، ج ۱، چ ۱، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ق.
۳. پاينده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، چ ۴، تهران: دنياى دانش، ۱۳۸۲ ش.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحكم و درر الكلم، به تحقیق و تصحيح سيد مهدي رجایی، چ ۲، قم: دار الكتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، به تحقیق و تصحيح مصطفى درایتی، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمة فی اصول الائمة (تكملة الوسائل)، به تحقیق و تصحيح محمد بن محمد الحسين القاينی، ج ۱، چ ۱، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا عليه السلام، ۱۴۱۸ ق.
۷. خمینی، روح الله، ره عشق (نامه عرفانی امام خمینی قدس سره)، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷ ش.
۸. دستغیب، سيد عبدالحسين، قلب قرآن، ترجمه علی عطایی اصفهانی، به نقل از: سایت مؤسسه فرهنگی اسلامی شبکه الامامين الحسينين عليهم السلام.

۹. دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، چ: ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۱۰. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۱ و ۴، چ: ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم، ۱۴۱۳ق.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، چ: ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم، ۱۴۱۷ق.
۱۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، به کوشش محمد بن حسین شریف الرضی، به تحقیق و تصحیح صبحی صالح، چ: ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۳. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، به کوشش محمد بن حسین شریف الرضی، ترجمه محمد دشتی، چ: ۱، قم: مشهور، ۱۳۷۹ش.
۱۴. قائمی امیری، علی، خانواده و کودکان گرفتار: مجموعه‌ای از بحث‌ها و بررسی‌ها، چ: ۲، تهران: امیری، ۱۳۷۲ش.
۱۵. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۱ و ۴ و ۸، چ: ۱، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۱۶. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، به تحقیق و تصحیح حسین درگاهی، ج ۷، چ: ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.

۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۲ و ۵، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، به تحقیق و تصحیح حسین حسنی بیرجندی، چ ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۳ و ۶۰ و ۶۷، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. مفید، محمد بن محمد، کتاب الامالی، به تحقیق و تصحیح حسین استادولی و علی اکبر غفاری، چ ۱، قم: کنگره شیخ مفید رحمته الله علیه، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. علی بن حسین علیه السلام، صحیفه کامله سجادیه، ترجمه و نگارش جواد فاضل، چ ۲۷، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱ ش.
۲۲. میرداماد، محمد باقر بن محمد حسینی استرآبادی، التعليقة على اصول الكافي، به تحقیق و تصحیح مهدی رجایی، چ ۱، قم: الخيام، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. نراقی، احمد، معراج السعادة، قم: هجرت، ۱۳۷۸.



توضیحات شرکت در مسابقه

• پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

• به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد چهاررقمی از چپ به راست را، همراه با نام و نام خانوادگی خود به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: رانده شده ۱۲۳۲۴ مهدی علوی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی:

www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

• هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

• آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

• قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

پرسش‌ها

پرسش اول: به تعبیر امیرالمؤمنین علی علیه السلام زهر کشنده ابلیس چیست که با آن به دل‌ها حمله می‌کند؟

۱. نفاق ۲. تکبر ۳. شرارت ۴. بی‌وفایی

پرسش دوم: از دیدگاه قرآن، بهترین توشه و هزینه سفر کدام است؟

۱. تقوا ۲. جهاد ۳. صدقه ۴. انفاق

پرسش سوم: در قرآن کریم ریشه تسلط شیطان بر قوم سبأ چه دانسته شده است؟

۱. غافل‌کردن از یاد خدا و ترویج حرام‌خواری

۲. ترویج فحشا و منکر و شراب‌خواری

۳. شک و تردیدشان درباره اعتقاد به قیامت

۴. کوچک جلوه‌دادن گناهان در نظر آن‌ها

پرسش چهارم: بر اساس فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله راه رسیدن به معرفت حق چیست؟

۱. کمک‌خواستن از خداوند ۲. خشم بر نفس

۳. دوری از عجب ۴. شناخت خویشتن

پرسش پنجم: طبق فرمایش امام صادق علیه السلام اگر در خانه‌ای قرآن خوانده نشود و یاد خدا نباشد، چه پیامدهایی به دنبال خواهد داشت؟

۱. فرشتگان از آن دوری می‌کنند ۲. شیطان در آن حضور می‌یابد

۳. برکتش کم می‌شود ۴. همه گزینه‌ها

پاسخ نامه مسابقه فرهنگی رانده شده

نام و نام خانوادگی:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴	پرسش
					اول
					دوم
					سوم
					چهارم
					پنجم

نظر سنجی کتاب رانده شده

ردیف	موضوع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش‌ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادها و انتقاداتها:						
.....						
.....						

لبه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید

پست جواب قبول



فرستنده:

.....

.....

کدپستی:

از این قسمت تا شود - -

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۲۵۱ - ۹۱۷۳۵